

## احساس احترام به‌مثابه محرک عمل اخلاقی در فلسفه کانت و انعکاس آن در هنر

### چکیده

احترام به دیگری و محترم شمرده‌شدن توسط دیگران از مؤلفه‌های اصلی زندگی اخلاقی است که فقدان آن خلایی آشکار و مصیبت‌بار است. به‌زعم فیلسوفانی چون کانت عاری از عناصر زیست اخلاقی است. فلسفه اخلاق کانت امروزه مرجع و مآل تقریباً جملگی موضوعات اخلاقی به‌ویژه مباحث مربوط به احترام است. در تحلیل کانت در خصوص مقوله احساس احترام بسیاری ملاحظات روان‌شناختی و اخلاقی توأمأ دیده می‌شود و این نشانه آن است که وی ناگزیر است به‌جز عناصر صرفاً عقلی نقش محرک‌های روان‌شناختی را نیز مورد دقت نظر قرار دهد؛ هرچند اخلاقی بودن فعلی که مترتب بر چنین احساسی است را صرفاً موکول به تبعیت آن از قانون اخلاق می‌داند. کانت درباره احساس احترام نسبت به قانون اخلاقی می‌گوید، وقتی که بر انگیزش غلبه می‌کند احساسی است که ناشی از آگاهی از رابطه عمل با قانون است. این کار را از طریق قدرت نسبی خود به‌عنوان یک نیروی محرک انجام می‌دهد. این مقاله به روش کتابخانه‌ای و از منظری تحلیلی- توصیفی فراهم آمده و درصدد است تا ضمن تبیین فرایند صدور فعل اخلاقی از نظر کانت، و تأکید بر عنصر احترام، نشان دهد که به‌رغم اینکه کانت جوهره اصلی فعل اخلاقی را پیروی از قانون اخلاق و ادای وظیفه می‌داند، ملاحظاتی مانند احترام به قانون اخلاقی را عنصری می‌داند که عمل به وظیفه را ایجاب می‌کند. فهم درست عنصر احترام در عمل اخلاقی موضوعی است که مناقشاتی را میان کانت‌شناسان سبب شده است.

### اهداف پژوهش:

۱. تبیین نقش عنصر احترام در انجام فعل اخلاقی.
۲. تبیین جایگاه نظریه اخلاقی در فلسفه کانت و انعکاس آن در هنر.

### سوالات پژوهش:

۱. نوع عاملیت اکیسوم و احترام با فعل اخلاقی در فلسفه کانت چگونه است؟
۲. جایگاه نظریه اخلاقی در فلسفه کانت و هنر چیست؟

کلیدواژه‌ها: فلسفه اخلاق کانت، احترام، عمل، انگیزه، اخلاق.

## مقدمه

از نظر کانت احترام عبارت است از تعیین یافتن بی واسطه اراده به وسیله قانون و آگاهی داشتن از این امر، پس احترام معلول تأثیر قانون بر فرد است و نه علت آن. احترام به معنای درست، احساس فضیلت یا ارزشی است که ناقض خودخواهی من باشد؛ از این رو چیزی است که نه مورد و موضوع میل است و نه مورد و موضوع ترس، اگرچه به هر دو همانندی دارد. مورد و موضوع احترام فقط قانون است آن هم قانونی که ما بر خود تحمل می‌کنیم و باین حال به خودی خود ضرورش بدانیم (کانت، ۱۳۶۹: ۹۵). پرسش کانت این است که چرا انسان باید اخلاقی باشد. پاسخش چنین است: انسان از یک جهت دارای احساس احترام به قانون در درون خود است که همان شخصیت انسان است و از جهت دیگر احساس والایی دارد، لذا انسان به صورت اخلاقی، عمل و زندگی می‌کند. احساس احترام به قانون و شخصیت ریشه در والایی او دارند و از این مفهوم به وجود می‌آیند.

از نظر کانت کرامت ذاتی انسان است، چراکه هیچ موجود یا شیء دیگری از آن برخوردار نیست. اشیاء اگر اصولاً ارزشی داشته باشند، صرفاً مشروط است؛ یعنی اشیاء خواه محصول طبیعت باشند یا مصنوع انسان، فقط تا جایی می‌توانند ارزشمند باشند که یک شخص آن‌ها را دارای ارزش بداند. خواه به دلیل فایده آن‌ها و یا به دلیل احساسی، بر همین اساس است که کانت بیان می‌دارد «انسان‌ها در واقع شخص هستند و نباید هرگز به عنوان «شیء» نگریده شوند. از نظر کانت انسان‌ها دارای ارزش عینی هستند و باید نزد همه انسان‌ها غایت محسوب شود؛ لذا انسان نباید به عنوان چیزهایی که صرفاً همچون یک وسیله هستند به کار بروند» (کانت، ۱۳۶۹: ۷۳). این ویژگی برای هیچ غیرانسان یا متصف به انسان وجود ندارد؛ چراکه ممکن است این احترام برای آن‌ها از سر میل، عشق یا ترس باشد. ولی هرگز احترام او را نسبت به خود بر نمی‌انگیزانند. احساسی که در وجود انسان نسبت به این امور برانگیخته می‌شود از نوع تحسین و ستایش است، احترام و تحسین یکی از عواطفی است که به امور غیرانسانی نیز تعلق می‌گیرد. کانت می‌گوید: «انسان می‌تواند نسبت به هر موجود غیرانسانی علاقه پیدا کند و به آن عشق بورزد یا از آن بترسد یا آن را تحسین کند، ولی هرگز به چیزی احترام نمی‌گذارد. ولیکن کانت مثال امور غیرانسانی که موضوع حرمت انسانی نیست را از میان اشیای طبیعی برمی‌گزیند» (کانت، ۱۳۸۴: ۲۳).

کانت از حرمت نفس یا احترام شخص به خود به عزت نفس تعبیر می‌کند و لذا، چاکر صفتی را ویژگی هر عمل می‌داند که بر طبق آن خویشتن را وسیله‌ای را برای جلب نظر مساعد دیگران بدانیم و بنابراین، از احترامی که باید به خود داشته باشیم باید دست بشوییم. از این روست که احساس احترام منحصر به فرد است؛ زیرا احساس احترام، احساسی نیست که برای برخورداری از آن نیاز به تلاش داشته باشد؛ بلکه به محض تصور از قانون پدیدار می‌شود. چارچوب نظریه اخلاقی کانت برای تثبیت ایده احترام به اشخاص به کار می‌رود. کانت احترام به اشخاص را از نقطه نظر فکری که در درجه اول با ظرفیت ایجاد و دادن آزادانه قوانین به خود، در ظرفیت‌های عقلانیت و استقلال کامل مرتبط است را دربر می‌گیرد. مهم‌ترین نظریه اخلاقی همانا احترام است. از میان عواطف، نوعی احترام است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و کانت بر آن تأکید می‌کند. چیزی که به آن "احترام به اشخاص" می‌نامد. او بیان می‌دارد: «این احترامی است که ما نسبت به کسی احساس می‌کنیم نه به خاطر دستاوردها و خصوصیات خاص او، بلکه صرفاً به خاطر اینکه او یک فرد است. این نوعی احترام است که ما نسبت به فرد انجام می‌دهیم و این کافی است» (۳: Kriegel & Timmons, ۲۰۲۱).

وقتی فردی از لحاظ احترام گذاشتن، تا پایان زندگی خود در مسیر درستی قرار داشته باشد، چنین احترامی را می‌توان به دو روش مختلف تصور کرد. از یک سو می‌توان آن را از نظر نقش کاربردی متمایز، در بُعد روان‌شناختی، انواع علل و اثراتی که تمایل به تحریک آن دارند، توصیف کرد و برای یافتن این ویژگی‌ها، پرداختن به بُعد روان‌شناسی اخلاقی احترام به افراد لازم است. از سوی دیگر، این نوع احترام را می‌توان از نظر شخصیت فوق‌العاده متمایز آن، تجربه ذهنی احساس احترام به فرد را نیز توصیف کرد. برای شناخت ویژگی‌های شخصیتی فوق‌العاده احترام، پرداختن به پدیدارشناسی اخلاقی احترام به افراد لازم است.

توصیفی که کانت برای پدیدارشناسی احترام بیان می‌کند، کافی نیست. به‌عنوان مثال، بسیاری از اندیشمندان استدلال کرده‌اند که کانت برای احترام بیش از حد انتزاعی و عقلانی قائل است. همان‌طور که خود کانت می‌گوید، هر احترامی که برای یک فرد قائل است تنها احترام به قانون است (۱۹: Ibid). البته باید اذعان داشت که در فلسفه اخلاق تحلیلی، بیش‌ترین سهم ما در درک از احترام به افراد از طریق روان‌شناسی اخلاقی است، نه پدیدارشناسی اخلاقی.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است، این موضوع بررسی می‌شود.

### نتیجه‌گیری

کانت به‌دنبال این بود تا کرامت از دست‌رفته انسان را به وی باز گرداند. همه انسان‌ها به لحاظ انسان‌بودن و داشتن عقلانیت، از کرامت و منزلت والایی برخوردار هستند و لذا باید این احترام را پاسداشت و انسانیت را به‌عنوان غایت لحاظ کرد. تأکید کانت بر موضوع کرامت و احترام انسان نشان از اصول بنیادی اخلاق و سیاست و دین است. برخی از شارحان کانت این قسمت از اخلاق کانت را جذاب‌ترین صورت‌بندی امر مطلق می‌دانند و تمام کرامت و احترام انسان را به‌واسطه داشتن عقلانیت می‌دانند؛ لذا احساس احترام در یک شخص می‌تواند همیشه باعث محرک اعمال اخلاقی گردد و این آن چیزی است که کانت به‌دنبال آن بود تا ثابت کند این به‌عمد از انسان به لحاظ روان‌شناختی یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های انسان برای عمل اخلاقی است. همچنین، رفتارهای زیبا و اخلاقی نیز توسط ذهن درک می‌شوند؛ چون هنر به تصویرکشیدن زیبایی‌های ذهنی و تقویت‌کننده خیال و تصور است. هرچه قوه خیال انسان قوی‌تر باشد، حس همدردی او قوی‌تر می‌شود و رفتارهای او اخلاقی‌تر می‌گردند. بنابراین اخلاق یکی از مهم‌ترین مضامین اخلاقی است.

### منابع و مأخذ:

اینگرسول، رابرجی. (۱۳۸۸). «هنر و اخلاق». مطالعات اخلاق کاربردی، مترجم: مهدی حبیب الهی، شماره ۱۵، ۱۶۲-۱۴۷.

خاتمی، محمود. (۱۳۹۸). مدخل فلسفه کانت. تهران: علم.

صانعی دره بیدی، منوچهر. (۱۳۸۴). جایگاه انسان در اندیشه کانت. تهران: ققنوس.

کانت، امانوئل. (۱۳۶۹). بنیان‌گذاری مابعدالطبیعه اخلاق. مترجمان: حمید عنایت، علی قیصری، تهران: نی.

----- (۱۳۹۸). درس‌های فلسفه اخلاق. مترجم: منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: نقش و نگار.

کمالی زاده، طاهره. (۱۳۹۳). «هنر اخلاق». چهارمین همایش ملی اخلاق و آداب زندگی.

Kant, I. A. (۲۰۰۴). *Kritik der praktischen Vernunft – critique of practical reason*.

McCarty, R. (۲۰۱۳). *Kant's theory of action*, Oxford: Oxford University Press.

Stratton, P-Lake. (۲۰۰۰). 'RESPECT AND MORAL MOTIVATION'.

Teuber, A. (۱۹۸۳). *Kant's Respect for Persons*, Political Theory.

Uriah, K., & Mark, T. (۲۰۲۱). *The Phenomenology of Kantian Respect for Persons*, Cambridge UP.